

دکتر گری میدورز، اول قرنطیان، سخنرانی ۱۸ اول قرنطیان ۷: ۱-۷الف، پاسخ پولس به مسائل جنسی و ازدواج

گری میدورز و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر گری میدورز در حال تدریس در مورد کتاب اول قرنطیان است. این جلسه ۱۸، اول قرنطیان ۷: ۱-
پاسخ پولس به مسائل جنسی و ازدواج است، Va.

خب، کار ما روی کتاب اول قرنطیان ادامه دارد. کتاب خیلی خوبی است، نه؟ منظورم این است که فکر
کردن به اول قرنطیان کار ساده‌ای نیست. به نظرم کتاب‌هایی مثل رومیان از اول قرنطیان آسان‌ترند.

لزوماً با تمام چیزهایی که می‌توانید مطالعه کنید، آسان‌تر نیست، زیرا رومیان مردم را در الگوهای الهیاتی و
ساختارهای خلاقانه زیادی قرار می‌دهد، اما از نظر تلاش برای درک آنچه در واقع در این متون می‌گذرد، کار
کوچکی نیست. اکنون با اول قرنطیان فصل ۷ شروع می‌کنیم که فصلی بسیار چالش‌برانگیز است. فکر نمی‌کنم
هیچ فصلی در اول قرنطیان وجود داشته باشد که چالش‌برانگیز نباشد، اما سعی خواهیم کرد تصویر بزرگی از
اول قرنطیان فصل ۷ به شما ارائه دهیم و به شما کمک کنیم تا در مورد این فصل نسبتاً پیچیده با مسائل
فرعی فراوان فکر کنید و این را در ادامه خواهیم دید.

در پایان فصل هفتم، سخنرانی‌ای در مورد کتاب مقدس و طلاق خواهیم داشت. فصل هفتم یکی از متونی
است که تا حدودی به این موضوع مربوط می‌شود. ما در کتاب مقدس به جز حدود چهار یا پنج متن، چیز
دیگری جز عدم طلاق نمی‌دانیم.

این موضوع کلی کتاب مقدس است. ما در کتاب متی بندهای استثنائات متابی را داریم و در اول قرنطیان نیز
عباراتی داریم. بنابراین، من قصد دارم از این به عنوان یک نقطه شروع استفاده کنم و اطلاعاتی را در اختیار
شما قرار دهم که ممکن است معمولاً در مورد مسئله کتاب مقدس و طلاق به آنها دسترسی نداشته باشید.

امیدوارم قدرتان این باشید. احتمالاً برای رسیدن به یادداشت‌هایی که پیش رو دارید، سه جلسه طول خواهد
کشید. این یادداشت‌ها از بسته یادداشت شماره ۱۰ هستند که از صفحه ۸۷ شروع می‌شوند و این بسته
یادداشت به دلیل مباحث تکمیلی در مورد طلاق، نسبتاً بزرگ است.

در واقع تا صفحه ۱۱۵ ادامه دارد. بنابراین، ما مدتی تا فصل ۷ ادامه خواهیم داد. اما بیایید با این فصل و
برخی مطالب مقدماتی شروع کنیم.

می‌دانید که این سومین بخش بزرگ در بدنه اصلی این رساله است. ۱-۱۱ مربوط به خانه کلویی بود که
فصل‌های ۱ تا ۴ را پوشش می‌داد. ۵:۱، گزارش‌های شفاهی خاص در مورد تمایلات جنسی و دعاوی حقوقی
هم NIV 2011 فصل‌های ۵ و ۶. سپس، فصل ۷ مربوط به چیزهایی است که شما نوشته‌اید. مطمئنم که
همین را می‌گویید، حالا در مورد مسائلی که شما در موردشان نوشتید.

سپس به جزئیات برخی از عبارات بسیار جالب می‌پردازیم. فقط برای یک لحظه مروری اجمالی خواهیم
داشت. بخش عمده‌ی رساله‌ی اول به قرنطیان به پاسخ پولس به تعدادی از سؤالات اختصاص دارد که
توسط جامعه‌ی قرنطیان از او پرسیده شده بود.

آنها چیزی برایش نوشتند. حالا، می‌توانیم لحظه‌ای مکث کنیم و پرسیم، خب، چطور آن را نوشتند؟ آیا گفتند، پاول، لطفاً برای ما توضیح بده که این یعنی چه؟ ما خیلی به تو احترام می‌گذاریم و خیلی دوست داریم، و می‌خواهیم تو فقط به ما بگویی که باید به چه چیزی باور داشته باشیم. یا اینکه نوشتند و گفتند، پاول، تو این را می‌دانی، تو این را می‌دانی، تو این را می‌دانی، تو این را می‌دانی.

چرا با گفتن چیز دیگری مشکل درست می‌کنید؟ منظورم این است که فکر می‌کنم پشت این سوالات بیشتر ماهیت خصمانه وجود دارد تا ماهیت صادقانه آنها. لطفاً برای من توضیح دهید که چه اتفاقی دارد می‌افتد. نشانه‌های کوچک زیادی از این موضوع در متن فصل‌های ۷ تا ۱۶ وجود دارد، جایی که می‌بینیم پولس گاهی مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد، مطمئناً با برخی از ایده‌های آنها در جدال است، و این در بیشتر اول قرن‌تین صادق است. بنابراین، این ما را به بحث اصلی می‌رساند.

در مقدمه‌مان، این عبارت مربوط به قبل از مرگ را دیدیم، اما با این وجود، همانطور که در صفحه ۸۷ به شما گفتم، با فصل ۷ شروع می‌کنیم که به ازدواج و مسائل جنسی می‌پردازد. سپس، فصل‌های ۸ تا ۱۰ در مورد غذای تقدیمی به بت‌ها و برخی از مسائل فرهنگی معابد بت‌پرستان بحث می‌کنند. سپس فصل ۱۱ در مورد نظم کلیسا و جنسیت است و می‌توانیم شام خداوند را اضافه کنیم که بخشی از نظم کلیسا در آن فصل است.

سپس فصل‌های ۱۲ تا ۱۴ به عطایای روحانی مربوط می‌شوند، و به چیزهای بسیار بیشتری از آن می‌پردازند. اما وقتی به آنجا برسیم، خواهیم دید. فصل ۱۵ درباره رستاخیز انسان‌ها است، و سپس فصل ۱۶ با جمع‌آوری وجوه برای مقدسین در اورشلیم به پایان می‌رسد، و سپس به پایان خود رساله می‌رسیم. از بسیاری جهات، تقریباً در نیمه راه کتاب اول قرن‌تین هستیم، اما موضوعات بسیار بسیار مهمی را پیش رو داریم که باید در نظر بگیریم.

خب، تقریباً در نیمه راه هستیم. فکر می‌کنم دارم سعی می‌کنم سخنرانی‌هایمان را به سقف ۳۰ ساعت برسانم و با گذر از فصل ۷، به ۱۵ ساعت در سخنرانی‌مان نزدیک می‌شویم. در واقع، وقتی به فصل ۷ برسیم، تقریباً ساعت شده است. امیدوارم با ما همراه باشید و ادامه دهیم ۱۵.

مطمئنم که تا الان چند تا تفسیر و مطلب داری، یه چیزهایی که داری می‌بینی و می‌خونی. آگه نه، هیچ وقت دیر نیست. یادت باشه، تو همون چیزی هستی که می‌خونی.

من فقط یک راهنما هستم. دارم شما را تشویق می‌کنم که خودتان هم یک دانش‌آموز باشید. بسیار خوب. حالا داریم روی این سازماندهی اول قرن‌تین ۷ تأمل می‌کنیم. چارلز تالبرت، باز هم، کتاب خیلی مختصری است.

قبل از اینکه به بخش‌ها برسید، خواندن سریع و خوبی دارد، و با این حال او به سمت این ساختارهای، کیاستیک گرایش دارد، اما در عین حال، می‌توانید جریان منطقی یک بخش را درک کنید. با این حال سازماندهی تالبرت در این فصل از نظر ساختاری جذاب است. می‌توانید این را در کتاب او ببینید.

او اشاره می‌کند که علامتی که پولس اغلب در اول قرن‌تین استفاده می‌کند، اکنون مربوط به دوران پیری است. از این استفاده می‌کند یا خیر. حالا به سراغ مواردی که شما در مورد آنها NIV 2011 بیابید ببینیم آیا. نوشتید، می‌رویم.

اینجاست که معادل‌های رسمی، مانند ۱۹۱۱، ۱۹۰۹. (Required) «می‌گوید» الان «اما نمی‌گوید» در مورد این کار را انجام دهد. بگذارید ببینم نسخه استاندارد اصلاح‌شده در این مورد خاص NASB شاید، ASV، برای فصل ۷ چه کاری برای ما انجام می‌دهد. حالا، در مورد، متشکرم.

بفرمایید. پری-دی، که حالا نگران‌کننده است، یک شاخص بسیار مهم است. خوشحالم که آن را حفظ کردند.

نسخه ملی انجیل این کار را نکرده، بنابراین باید جستجو کنید. من به هر حال به شما گفته‌ام که آنها کجا هستند. دوباره همینجا به شما می‌گویم، ۷:۱، ۲۰، ۷:۲۵، ۸:۱، ۱۲:۱، ۱۶:۱، ۱۶:۱۲، و برای مشخص کردن برخی از موضوعات دیگر، تغییراتی وجود دارد.

این نشانگر در چندین جا دیده می‌شود، اگرچه این نشانگر همیشه برای نشان دادن سوال یا چالش دیگری از سوی جامعه قرن‌تین به کار نمی‌رود. بنابراین، بیشتر اوقات آنجاست، اما کاملاً ثابت نیست و شما باید این را ببینید. رساله اول قرن‌تین در مورد تغییر موضوع آنقدر واضح است که این موضوع هرگز نباید برای کسی مشکلی ایجاد کند.

با استفاده از این نشانگرها و مشاهده پاراگراف‌ها، می‌توان از اول قرن‌تین ۷ طرح کلی ارائه داد که من در پایین صفحه ۸۷ به شما ارائه داده‌ام. اول قرن‌تین ۷ ابتدا به مسائل مربوط به ازدواج موقت پاسخ می‌دهد و سپس در بخش ب، پولس با توجه به حکمت عملی به مجردها توصیه می‌کند، ۷:۲۵ تا ۴۰. ما به نوعی از این طرح کلی در یادداشت‌های شما پیروی می‌کنیم.

به اشتباه کوچیکی توش ایجاد کردم چون شماره ۴ بالای صفحه ۸۷ همه فصل‌های ۷ تا ۱۶ رو پوشش باید کل فصل ۷ باشه، و اینجا می‌بینی که چطور خلاصه‌ش کردم. خب، طرح کلی ام به کم A می‌ده، یعنی منحرف می‌شه. بعداً می‌فهمم که برمی‌گردیم سر اصل مطلب یا نه.

از آنجا که ما طیف وسیعی از یادداشت‌ها را داریم، گاهی اوقات به خاطر سپردن آن طرح کلی دشوار است و با این حال آن طرح کلی بسیار مهم است. بنابراین اگر قرار بود طرح کلی را بیرون بیاورید تا بتوانید آن را ببینید و جریان را راحت‌تر حس کنید، باید در نظر بگیرید که در واقع باید ۴ باشد، سپس باید فصل ۷ الف باشد، سپس ۱، ۲. و بنابراین اگر قرار بود آن را اصلاح کنیم، آن را در پایین به عنوان ۱، ۲، ۱ الف و غیره اصلاح می‌کردیم. من این کار را نخواهم کرد.

زمانی که برای چاپ می‌رویم، نت‌ها تقریباً تنظیم شده‌اند و مشکل بزرگی نیست. می‌توانید طرح کلی را همانطور که داده شده دنبال کنید و جای خود را گم نکنید. فقط مسئله ارتباط با قطعه بزرگتر ۷ تا ۱۶ است.

بسیار خوب، پولس به مسائل مربوط به رابطه جنسی و ازدواج پاسخ می‌دهد. در آیات ۱ تا ۷، واقعیت‌های ازدواج، هنجاری و جنسی، نه سلیمان، مطرح شده است. این چیزی است که آیات ۱ تا ۷ قرار است به ما بگوید.

در ۷ تا ۲۴، ازدواج، هدیه دادن پولس برای دیگران هنجار محسوب نمی‌شود. پولس سعی نمی‌کند بگوید که او الگو است. می‌بینید، الگویی وجود داشته که قبل از پولس وجود داشته است.

به آن سفر پیدایش می‌گویند. دستور ازدواج در پیدایش داده شده است. این انتظاری است که بر خلقت حاکم است.

و پولس می‌آید، و او کارهایی انجام می‌دهد که خاص هستند. زمینه خدمت او خاص است، و او در فصل ۷ کاملاً واضح بیان می‌کند که خودش الگو نیست، حتی اگر آرزو کند که آنها مانند او باشند. این یک آرزوی خدمت کاربردی با توجه به پریشانی فعلی است که کل این فصل را طعم می‌دهد، که احتمالاً اشاره‌ای به دیدگاه پولس در مورد آخرالزمان است.

در بخش دوم، ۷:۲۵ تا ۴۰، پولس با توجه به حکمت عملی، به افراد مجرد توصیه می‌کند. بخش مجرد جمعیت، بخش بسیار بسیار بزرگی را تشکیل می‌دهد. این یک دوره مجردی است، دوباره مجرد، مانند یک بیوه، مجرد از نظر انواع سوالات.

و این را در ادامه خواهیم دید. من این طرح کلی را اینجا به شما ارائه ندم. پولس در بیشتر آنچه که اینجا می‌گوید، خواسته‌ای هنجاری از خوانندگان ندارد.

و من سعی می‌کنم به بحث ادامه بدهم تا شما متوجه موضوع شوید. در فصل ۷ اتفاقات زیادی می‌افتد که به یک هنجار مربوط می‌شود، و آن هنجار ازدواج و رابطه جنسی است. واقعاً زیاد به موضوع کودکان نمی‌پردازد، بلکه به ازدواج و رابطه جنسی می‌پردازد.

این هنجار است. و با این حال، پولس کمی غیرهنجار است، زیرا حداقل او، چه متأهل بوده باشد چه نه، در موردش صحبت خواهیم کرد، به نظر مجرد می‌رسد و مشکلات مراقبت از خانواده را ندارد. بنابراین، به عنوان یک مبلغ مذهبی، او آزاد است.

او آرزو می‌کند که همه می‌توانستند به آن توجه کنند، اما درک می‌کند که آنها نمی‌توانند و هرگز به خاطر این موضوع آنها را دچار احساس گناه نمی‌کند، اما به آنها می‌گوید که ازدواج برایشان خوب است. بسیار خوب. او از خوانندگان یک الزام هنجاری نمی‌طلبد، بلکه با توجه به خرد خودش به آنها توصیه می‌کند.

همانطور که هر کسی انجام می‌دهد. تالبوت این نظر را مطرح می‌کند. در این بخش کاملاً منظم از آیات ۲۵ تا ۴۰ از باب ۷، که بخش دوم آن است، رسول به مسئله مجرد بودن که توسط قرن‌تیان در نامه‌شان مطرح شده بود، پرداخته و گفته است که از نظر الهیاتی مشکلی با ازدواج وجود ندارد، اگرچه در عمل استدلال‌هایی برای مجرد ماندن در صورت کنترل امیال وجود دارد.

من واقعاً فکر می‌کنم که پولس این موضوع را کمی خاص‌تر از این می‌کند که آیا فرد تمایلات جنسی خود را تحت کنترل دارد یا خیر، زیرا وقتی او در مورد موهبت ازدواج نکرده صحبت می‌کند، این یک انتخاب نیست. این یک موهبت است. این چیزی است که بخشی از طبیعت شماست.

و ما به آن باز خواهیم گشت. استنلی مورو مقاله‌ای با عنوان «ازدواج و طلاق در عهد جدید» دارد. او در آن مقاله به نکته‌ی متمایزی اشاره می‌کند و آن این است که دیدگاه پولس در مورد مجرد این است که این یک موهبت است و یک انتخاب نیست.

و همینطور که پیش می‌رویم، به آن سناریو برمی‌گردم. نکته دوم در اینجا مربوط به آموزه‌های پولس است؛ گارلند نکته دیگری را مطرح می‌کند. نکته اول، نگاهی به ارائه تالبوت، به نوعی طرح کلی آن، بود.

حالا، بیایید کمی به آنچه گارلند در صفحه ۸۸ برای ما آورده است نگاه کنیم. گارلند فاعل‌ها را با یک فعل مقدماتی از هم جدا شده می‌بیند. به جای دیدن غرور و تقسیم‌بندی‌های مشابه، حتی با اینکه او این را کاملاً

تشخیص می‌دهد، فاعل‌ها را با یک فعل مقدماتی مانند «می‌گویم»، «می‌ستایم» یا «فکر می‌کنم» از هم جدا شده می‌بیند.

از طریق این نشانگرها، او فصل‌های مربوط به روابط جنسی در ازدواج، ۷: ۱ تا ۵، را شرح می‌دهد. مجرد یا ازدواج برای افراد مجرد و بیوه‌ها، ۶ تا ۹. طلاق برای کسانی که با مسیحیان ازدواج کرده‌اند و برای کسانی که با غیرمسیحیان ازدواج کرده‌اند، ۷، ۱۰ تا ۱۶. من فکر می‌کنم او در اینجا با برخی از اصطلاحات خود کمی اصل زیربنایی بحث، همانطور که D، آزادی عمل به خرج داده است، اما ما به آن باز خواهیم گشت هستید، ۱۷ تا ۲۴ باقی بماند.

معرفی peridea توصیه ازدواج برای افراد نامزد شده برای بیوه‌ها. بنابراین، درون فصل ۷، که توسط E، و شده است، گارلند وارد می‌شود و به نحوه‌ی قالب‌بندی یونانی نگاه می‌کند، به شما می‌گویم، از واژگان متنوعی استفاده می‌کند، به شما دستور می‌دهم، فکر می‌کنم. این افعال فکر کردن و گفتن، فصل را بر اساس آنچه گارلند به دنبال آن است، ترسیم می‌کنند.

راستش را بخواهید، در نهایت، موضوع بحث است. و من فکر می‌کنم او این را می‌بیند و افعالی را که آن را معرفی می‌کنند، می‌بیند، آنها را کنار هم قرار می‌دهد. من اخیراً به تک تک آن نشانگرها نگاه نکرده‌ام.

من مدتی است که این کار را انجام می‌دهم، و بعضی چیزها را بررسی می‌کنم، و بعضی را نه. و بنابراین فکر می‌کنم در نهایت موضوع بحث است. و اگر این با مشاهدات گارلند مطابقت دارد، باشد.

برمی‌گردد. اما بخش داخلی فصل peridea برای بخش ۷ تا ۱۶، تا جایی که به ساختار مربوط می‌شود، به که در مورد بخش‌ها خیلی بدنام است، ۷.

و وقتی به این موضوع می‌پردازید، به یک مسئله بسیار بزرگ تبدیل می‌شود. خوب، این چیزها چگونه تقسیم می‌شوند؟ و ما این را در ادامه مشاهده خواهیم کرد. نکته دوم این است که اکثر افراد با ۷، ۱ تا ۷ به عنوان ننگه می‌دارند NIV یک واحد رفتار می‌کنند و طرح کلی را نزدیک به پاراگراف‌های ارائه شده در

اگرچه پاراگراف‌ها هنوز مفید هستند، ساختارهای عمیق‌تر مانند مشاهدات کیاستیک تالبرت برای درک معنای سطحی بسیار مهم هستند. در اینجا یک طرح کلی معمول را برای شما آورده‌ام. این طرح تالبرت نیست، بلکه طرح من است.

یکی تأیید رابطه جنسی و ازدواج است، آیات ۷: ۱ تا ۷. تقدس ازدواج، آیات ۷، ۸ تا ۱۶. افراد مجرد و بیوه. اگر موهبت مجرد را ندارند باید ازدواج کنند. ازدواج دائمی است، آیات ۱۰ تا ۱۶.

سنت دومنیکو در آیات ۱۰ و ۱۱ همان چیزی است که عیسی گفت. توضیح پولس همان چیزی است که پولس در آیات ۷، ۱۲ تا ۱۶ می‌گوید. سپس پولس به این موضوع می‌پردازد و در آیات ۱۷ تا ۲۴ با عامل دیگری، همچنان به اصول پایبند می‌ماند.

E، او در آیات ۲۵ تا ۳۵ به افراد مجرد توصیه‌هایی می‌کند که شامل بیوه‌ها نیز می‌شود. و سپس بخش موضوع ویژه باکره‌های نامزد شده، که احتمالاً از نظر تشریح، مشکل‌ترین بخش از بین تمام این دسته‌ها است. و سپس در پایان آیات ۳۹ و ۴۰، جمله دیگری برای بیوه‌ها آمده است.

خب، این هم از این، وقتی تفسیرها را می‌خوانید، کلمات را نمی‌خوانید، به دنبال اطلاعات می‌گردید. و اگر به تالبرت نگاه کنید، به دنبال اطلاعات می‌گردید. ساختار فصل ۷ چگونه است؟ به گارلند نگاه کنید، او ساختار

فصل ۷ را چگونه می‌بیند؟ این کار را با تعدادی از تفسیرها انجام می‌دهید، آنها را مقایسه می‌کنید، مخرج مشترک را پیدا می‌کنید و سپس از آن نقطه شروع می‌کنید. من اکیداً توصیه می‌کنم مقدمه تفسیر فی بر فصل‌های ۷ تا ۱۶ را بخوانید.

او مقدمه نسبتاً مفصلی در مورد این سومین بخش اصلی بدنه اصلی نامه در صفحات ۷ تا ۱۶ دارد خواندنش مفید است. ریچارد هیز، من زیاد در موردش صحبت نکرده‌ام، اما کتاب کوچک او در مجموعه تفسیر را دوست دارم.

او در مورد ایده‌های بزرگ فصل ۷ تأمل می‌کند، و آنها نیز مفید هستند. شما نمی‌توانید، و من هم نمی‌توانم همه را اینجا برای شما هجی کنم. ویکتور ویمبوش، اگر درست گفته باشم، کتابی به نام پولس زاهد دنیوی دارد.

عنوان جالبی است. اما او اینجا بعضی چیزها را تقسیم‌بندی می‌کند و جزئیات بیشتری نسبت به بقیه به شما می‌دهد. بیایید به این‌ها نگاهی بیندازیم.

آیات ۱ تا ۷ مربوط به زوج‌های متأهل است؛ سوالات زیادی در این مورد وجود ندارد. آیات ۸ تا ۹ مربوط به مجردها است، کسانی که ازدواج نکرده‌اند. وقتی به آنجا رسیدیم، در این مورد صحبت خواهیم کرد.

زوج‌های متأهل، هر دو طرف ایماندار هستند. او سوالی در مورد طلاق مطرح می‌کند. کتاب، ۱۱-۱۰:۷ مقدس در این متون از کلمه طلاق استفاده نمی‌کند، بنابراین وقتی به آن رسیدیم، به آن خواهیم پرداخت.

آیات ۱۷ تا ۲۴:۷ کمی مکث است، بیانی از اصول کلی. همانطور که هستید بمانید، و بعداً در مورد آن بحث خواهیم کرد. سپس، به گروه‌ها برگردید.

ببینید، این گروه‌ها می‌توانستند زیرگروه‌های جداگانه‌ای در جامعه‌ی قرن‌تین اول باشند. می‌توانستیم برخی از مؤمنان قرن‌تین را در هر یک از این دسته‌ها جمع کنیم. وای، اوضاع دارد پیچیده می‌شود، نه؟ منظورم این است که می‌توانید تصور کنید، و من دوست دارم در یک ماشین زمان به عقب برگردم و جماعت را که شامل جماعت‌های کوچک زیادی بودند، تماشا کنم، همانطور که این نامه برایشان خوانده می‌شد.

چون در آن جماعت، در این گوشه، زوج‌های متأهل را دارید. در این گوشه، کسانی را دارید که با کافران ازدواج کرده‌اند. در این گوشه، کسانی را دارید که با کافران ازدواج کرده‌اند و کافران رفته‌اند.

حالا آنها آنجا هستند. بعد، اینجا، بیوه‌ها را دارید. بعد اینجا، این باکره‌ها هر کسی که باشند را دارید.

بنابراین، می‌توانید ببینید که این فصل کوچک، از یک سو، دامنه وسیعی از موضوعات را پوشش می‌دهد، از سوی دیگر تا آیات ۲۵ تا ۳۸، یعنی نامزدی. او اینگونه به باکره‌ها اشاره می‌کند.

کمی میان‌پرده، تقوای زاهدانه، جایی که پولس باید در مورد آن توضیحی بدهد. ۳۹:۷-۴۰، ۳۵-۲۹:۷، بیوه‌های مسن‌تر در مورد ازدواج مجدد. ۷۴۰، نتیجه‌گیری برای بیوه‌های مسن‌تر، و نتیجه‌گیری فصل.

بنابراین، این فصل، از برخی جهات، موضوعات بیشتری نسبت به هر چیزی که تاکنون بررسی کرده‌ایم، دارد و با این حال، تنها یک موضوع است. موضوعی که به رابطه‌ی زن و مرد و ازدواج در انواع سطوح مربوط می‌شود. آیا باید ازدواج کنم؟ در سطح، حالا که ازدواج کرده‌ام؟ در سطح، من با یک کافر ازدواج کرده‌ام؟

در سطح، شوهر یا زن کافر رفتی است، و من اینجا هستم؟ در سطح بیوه بودن، و مسئله‌ی ازدواج مجدد در آنجا، و در سطح یک دسته‌ی خاص که به عنوان باکره‌ها شناخته می‌شوند.

خب، خیلی جالبه. مورد سوم در صفحه ۸۹، مروری بر متن کتاب مقدس در مورد طلاق. از یک نظر منطقی اینجا جا همیشه

من این کار را در انتهای فصل ۷ انجام خواهم داد. می‌خواهم متن فصل ۷ را بررسی کنم و سپس برمی‌گردم و یک مرور کلی از کتاب مقدس و طلاق به شما ارائه می‌دهم. بسیار خوب، حالا بیایید در مورد فصل ۷ به طور کلی، آیات ۱ تا ۴۰ صحبت کنیم و با آیات ۱:۲۴ شروع می‌کنیم. ما دو مجموعه داریم، آیات ۱:۲۴، و سپس آیات ۲۵ تا ۴۰ که من آنها را بررسی کرده‌ام.

اگر دوباره همه این کارها را انجام می‌دادم، فکر می‌کنم احتمالاً چیزی شبیه به نقطه شروع ویمبوش یا شاید نقطه شروع گارلند را دنبال می‌کردم، بنابراین می‌توانستیم این‌ها را کمی بیشتر در نظر بگیریم. من این کار را انجام داده‌ام، فقط به جای نکات اصلی، نکات فرعی را در نظر گرفته‌ام، و این روشی است که هست. وقتی آماده شدید، می‌توانید هر طرح کلی را که می‌خواهید دنبال کنید، اما در پایان روز همه چیز در یک جا مشخص می‌شود.

بنابراین، پولس به مسئله رابطه جنسی و ازدواج پاسخ می‌دهد. واقعیت‌های ازدواج در آیات ۱ تا ۷، هنجاری سال ۲۰۱۱ NIV و جنسی هستند، نه مجرد. حالا، به آیات ۱ تا ۷ گوش دهید، و من برای راحتی اینجا از می‌خوانم.

حالا، در مورد مسائلی که شما در موردشان نوشتید، خوب است که مرد با زن رابطه جنسی نداشته باشد. جدید، این RSV، RSV شاه جیمز قدیم این را ترجمه کرده بود، خوب است که مرد زن را لمس نکند. ترجمه است که برای مرد خوب است که زن را لمس نکند.

این یک ترجمه کاملاً تحت‌اللفظی و بسیار رسمی است، و بعداً به شما اشاره خواهم کرد که گوردون فی یک اصلی نوشت، که می‌گفت برای یک مرد خوب است که NIV مقاله کامل نوشته است. او آن را در انتقاد از ازدواج نکند. آن ترجمه وحشتناکی بود که دهه‌ها ادامه داشت.

حداقل سال ۲۰۱۱ این موضوع را تغییر داده است، اما اکنون این سوال مطرح است که آیا برای یک مرد خوب است که با یک زن رابطه جنسی نداشته باشد. آنها کلمه لمس را به عنوان استعاره‌ای برای روابط جنسی در نظر گرفتند و می‌توان در مورد آن صحبت کرد زیرا این استعاره باید باز شود تا بفهمیم استعاره به چه معناست. بسیار خوب، آیه ۲، اما از آنجایی که فساد جنسی در حال وقوع است، اکنون او در آیات پنجم و ششم زیاد در مورد آن صحبت کرده است و ما در مورد آن در درجه اول از دیدگاه ضیافت‌ها صحبت کردیم، اما این امر در رابطه با معابد نیز اتفاق می‌افتاد، زیرا معشوقه‌های جنسی بخشی از برخی از مکان‌های عبادت بت‌پرستان بودند و فاحشه‌های معبد وجود داشتند، نه مانند قرن‌تس باستان، سال‌ها قبل از این، بلکه حتی در زمان پولس، آنها وجود داشتند.

اما از آنجا که فساد جنسی رخ می‌دهد، هر مرد باید با همسر خود و هر زن با شوهر خود رابطه جنسی داشته باشد. شوهر باید وظیفه زناشویی خود را نسبت به همسرش انجام دهد و همچنین زن نسبت به شوهرش. زن اختیار بدن خود را ندارد، بلکه آن را به شوهرش واگذار می‌کند.

متأسفم که مغز بسیاری از مردان همین‌جا متوقف می‌شود، اما به آنچه که می‌گوید نیز توجه کنید، به همان ترتیب شوهر اختیار بدن خود را ندارد، بلکه آن را به همسرش واگذار می‌کند. در این حوزه، وابستگی متقابل

وجود دارد. یکدیگر را از هم محروم نکنید، مگر شاید با رضایت متقابل، و فقط برای مدتی، تا بتوانید خود را وقف دعا یا سایر تمرینات معنوی کنید، سپس با هم جمع شوید.

و این جمله‌ی جالبی است که دوباره در موردش صحبت خواهیم کرد، تا شیطان شما را به خاطر عدم خویشن‌داری‌تان وسوسه نکند. این را به عنوان یک امتیاز می‌گویم، نه به عنوان یک دستور.

به عبارت دیگر، و بعداً به این موضوع برمی‌گردم، پولس اساساً می‌گوید که شما نمی‌توانید به دلایل معنوی رابطه جنسی و ازدواج را کنار بگذارید. یک همسر نمی‌تواند به دیگری بگوید، اگر امشب رابطه جنسی نداشتیم، روحانی‌تر بودیم. پولس به شما فرصت گفتن این حرف را نمی‌دهد.

شما به همسران مدیونید که زندگی جنسی خوبی داشته باشید. امتیازی که پاول می‌دهد همان چیزی است که خودش گفته است. او دستور به پرهیز نمی‌دهد، اما می‌گوید که شما ممکن است با انجام این کار موافقت کنید، اما در آن مکالمه، هر دو [چیز] مطرح است و نه یکی از آنها.

کاش همه شما مثل من بودید، و اینجا باید کمی فکر کنیم، خوب، پولس چه بود؟ این یک آرزو است؛ این یک دستور نیست، اما هر یک از شما موهبت خاص خود را از جانب خدا دارید. یکی این موهبت را دارد و دیگری آن موهبت را. او آن را بر اساس موهبت قرار می‌دهد، و نه بر اساس انتخاب.

شما هدایای خود را انتخاب نمی‌کنید، هدایای شما شما را انتخاب می‌کنند. حال، بیایید کمی بیشتر به این موضوع بپردازیم. همانطور که قبلاً متوجه شدیم، مقدمه در بند ۱ الف است و سپس در بند ۱ ب، سوال یا شعار، آیا این یک ادعا است یا نقل قول، یک تأیید یا یک شعار؟ خوب است که یک مرد زن را لمس نکند.

من از آن ترجمه رسمی استفاده می‌کنم. اگر مقاله فی را بخوانید، متوجه خواهید شد که این یک استعاره بسیار دشوار است، اما استعاره‌ای واضح است که چیزی بیش از این است که شما نباید روابط جنسی داشته باشید، حتی اگر این در این دسته قرار بگیرد و ما آن را در همین حد رها کنیم. و بنابراین، پاول، آیا این یک ادعا است یا یک نقل قول، آیا یک تأیید است یا یک شعار؟ اگر یک ادعا است، خوب است که یک مرد به زن دست نزند.

سپس، پولس جمله را بیان می‌کند و آن را توضیح می‌دهد. آیا پولس گفته است که برای مرد خوب است که رابطه جنسی نداشته باشد؟ اگر این چیزی است که او گفته، چرا چیزی را که در انتهای پاراگراف گفته را قبول نکنیم. دوم، اگر این یک ادعا است، گفته است؟ من فکر می‌کنم دلایل زیادی وجود دارد که در اینجا 1 شعار است، چه به عنوان یک جمله یا یک سوال از مخاطب اصلی، پس پولس است که از قرن‌تیان نقل قول می‌کند و سپس پاسخ می‌دهد.

فکر می‌کنم این یک شعار است، و اکثر مردم این کار را می‌کنند. فکر می‌کنم این نظر اکثریت در این دسته به عنوان یک سوال مطرح شود، و ما هنوز درگیر این سوال هستیم، سوال اصلی چه خاص است. اگر 1 می‌توانست باشد؟ شاید سوال اصلی این می‌بود که آیا برای یک شخص بهتر نیست که رابطه جنسی نداشته باشد؟ می‌بینید، اگر می‌خواهید سوال اصلی که پولس آن را مطرح کرد را داشته باشید، نه اینکه کسی شعاری علیه پولس استفاده کند، می‌توانید آن را به این شکل داشته باشید.

این کار خیلی کمتر بی‌ثبات خواهد بود. به نوعی، پولس احتمالاً با استفاده از عبارت «خوب است» به جای عبارت «بهتر یا ضروری»، لحن سوال اصلی را ملایم‌تر می‌کند. نوعی ریاضت‌کشی در این جامعه وجود داشت و به نظر می‌رسد که این ریاضت‌کشی در اینجا و در موقعیت ازدواج نمود پیدا می‌کند.

این یک ازدواج پاک، یک زوج پاک است. ترجمه‌ای برای پولس وجود دارد که قبلاً به شما اشاره کردم، با حداقل ۸۴، و فکر می‌کنم کمی به عقب‌تر برمی‌گردد. در ترجمه ۷:۱، آنها گفتند که NIV نسخه اصلی خوب است مرد زن را لمس نکند.

آنها آن را اینگونه ترجمه کردند که خوب است مرد ازدواج نکند. این دقیقاً برعکس کل این فصل و کاملاً برعکس آیات ۱ تا ۷ است. این از کجا آمده است؟ اما سلطنت کرد. نمی‌توانم تصور کنم که چند نفر را برای دهه‌ها، دهه‌ها، دهه‌ها همراه کرد.

این کاملاً نقطه مقابل موضوع این فصل است. با سفر پیدایش و فرمان خلقت در تضاد است. اصلاً منطقی نیست.

اصلی نبود، حداقل نه تا پایان آن، زمانی که NIV گوردون فی، که به دلایلی عجیب، ظاهراً عضو کمیته تصمیمات نهایی خود را گرفتند، از این ترجمه چنان خشمگین بود که مقاله‌ای نوشت که در دسامبر ۱۹۸۰ در مجله انجمن الهیات انجیلی منتشر شد، که بدیهی است نسخه ۸۴ همان نسخه‌ای است که من در دهه ۷۰ میلادی برمی‌گردم. و او این مقاله را نوشت، اول قرن‌تین ۷:۱ در NIV دست داشتم. نسخه اصلی NIV.

و او، این یک مقاله بسیار پیچیده و بسیار مفصل است، و او فقط آنها را به سخره می‌گیرد. و صادقانه بگویم، آنها هرگز گوش ندادند. تا زمانی که نسخه اصلاح شده سال ۲۰۱۱ از راه رسید.

آنها باید مدت‌ها پیش این را اصلاح می‌کردند. اما به هر دلیلی، آنها تصمیم گرفتند این کار را نکنند. این اصلی در سال ۲۰۱۱ تغییر یافت تا بگوید خوب است که یک مرد با یک زن رابطه NIV ترجمه ضعیف از جنسی نداشته باشد.

و باز هم، اگر به عنوان یک شعار به آن نگاه کنید، مسئله‌ی مهمی نیست. اگر به عنوان چارچوب‌بندی پولس به آن نگاه کنید، و سپس به آن پاسخ دهید، قضیه کمی متفاوت خواهد بود. بنابراین، هر کسی که جدید، انجام نداده و آن را رها کرده، خوب RSV انجام داده، حتی RSV این ترجمه را ارائه داده و کاری را که است که یک مرد به یک زن دست نزند و اجازه دهد خواننده آن را بفهمد، که همان کاری است که معادل رسمی انجام می‌دهد.

این شما را مجبور می‌کند که خودتان چیزی را بفهمید، به جای اینکه مثل اینجا، خودتان آن را بفهمید. نمی‌دانم. نمی‌دانم درون آن چیست.

من بعضی از افرادی که درگیر این ماجرا بودند را می‌شناسم، اما هیچ‌وقت مستقیماً در این مورد با آنها صحبت نکرده‌ام. بسیار خب. رویکرد دوم در این مورد.

ما می‌پرسیم، آیا این یک ادعا است یا نقل قول؟ یک تأیید یا یک شعار؟ خب، فکر می‌کنم جواب این است که این یک شعار است. و این چیزی است که قرن‌تین به پولس می‌گویند، و پولس باید برگردد و با آن کنار بیاید. ارزیابی پولس در دو تا پنج، بعد از سوال، اینکه آیا آنها آن را مطرح کرده‌اند یا یک سوال، ادعا مسئله دیگری است.

بستگی به این دارد که آنها چقدر با پولس دوستانه باشند یا نباشند. اما با این وجود، این وجود دارد. چارلز تالبرت به ساختار کیاستیک دو تا پنج اشاره می‌کند و سپس توضیحات را گسترش خواهیم داد.

می‌توانید ببینید که کیاسم چگونه کار می‌کند، همانطور که من آن را در اینجا در صفحه ۹۰ برایتان شرح دادم. الف، اما به دلیل زنا. الف، که به دلیل عدم خویشن‌داری شما در پایین‌ترین سطح قرار دارد.

اغلب اوقات، از همان کلماتی استفاده می‌کند که در جمله‌ی اصلی الف. سپس ب، بگذارید هر یک از شما همسر یا شوهر خودش را داشته باشد. ب. پرایم، یکدیگر را محروم نکنید. زن و شوهر وجود دارند.

ج، بگذارید شوهر وظایف جنسی خود را انجام دهد. ج. اول، به همین ترتیب، شوهر بر بدن خود اختیار ندارد، بلکه زن اختیار دارد. سپس د، به همین ترتیب، زن بر شوهرش.

دی پرایم، همسر هیچ اختیاری بر [این موضوع] ندارد. بنابراین، این می‌تواند یک تقاطع باشد. می‌توانید منطق چگونگی درهم‌تنیدگی، شروع، اشاره و بازگشت این موارد را ببینید، و این منطق تا مرکز [موضوع] پیش می‌رود.

در مرکز وجود داشته باشد، آن مرکز E یک، E گاهی اوقات، هر یک از اینها کمی متفاوت است. اگر یک بسیار مهم و کنترل‌کننده می‌شود. بعداً این را در موقعیت احتمالی دیگری خواهیم دید.

بسیار خوب. پولس در آیه ۲ می‌گوید که رابطه جنسی و ازدواج یک فعالیت معتبر برای رفع نیازهای انسانی است. همینطور هم هست، اما از آنجایی که فساد اخلاقی در حال رخ دادن است، و شما می‌توانید آن را احتمالاً از این دو طریق تعریف کنید، هم در ضیافت‌ها و هم در معبد. از آنجایی که این اتفاق می‌افتد، مهم است که متأهل باشید و آن زوج زندگی جنسی خوبی داشته باشند.

اساساً منظور او همین است. دستور پولس مبنی بر داشتن همسر یا شوهر مستقل، تعبیری عامیانه برای رابطه جنسی است و ازدواج را مفروض می‌گیرد. این یک هنجار است.

پولس یک یهودی خوب است. پولس قرار نیست از دستور پیدایش برای ازدواج، زن و شوهر بودن و بچه‌دار شدن سرپیچی کند. این یک هنجار بود.

این برای فریسیان، برای معلمان یهودی و برای خود یهودیان یک هنجار بود. همچنین در زمان، مکان و فرهنگ آنها و با توسعه فرهنگ‌ها، ضروری بود.

امروزه، ما به نوعی مغرور می‌شویم و فکر می‌کنیم که دیگر لازم نیست یا بچه‌ها ضروری نیستند. من قصد ندارم به این موضوع پردازم که چگونه فرهنگ ما از برخی از مزایای این تصمیمات بهره‌مند می‌شود. ازدواج در پایین صفحه ۹۰، ذاتاً، وابستگی متقابل انسان را ترویج می‌دهد.

این فقط واقعیت است. این زندگی است. پولس پرهیز جنسی توسط شرکای ازدواج را به شدت ۶-۳:۷ محکوم می‌کند.

استفاده پولس از «باید» در آیه ۳ ممکن است علیه آن جامعه در قرن‌تس که او می‌گوید بهتر است این کار را نکنند، بحث‌برانگیز باشد. در آیه ۳، شوهر باید. این کلمه «باید» است.

این کلمه در زبان یونانی کلمه جالبی است. وقتی این کلمه را وارد فلسفه می‌کنید، یک مقوله وظیفه‌شناختی است. یعنی یک مقوله ضروری است.

فقط این نیست که تو باید این کار را بکنی، بلکه این تو هستی که باید این کار را بکنی. بهتر است تو این کار را بکنی. شوهرت هم باید این کار را بکند.

این یک گزینه نیست. به معنای یک گزینه بیان نشده است. شوهر باید وظیفه زناشویی خود را نسبت به همسرش و به همین ترتیب، زن نسبت به شوهرش انجام دهد.

با آن چه NRSV فقط از روی کنجکاوی، چون اینجا نموداری به شما نداده‌ام، می‌خواهم یک بار دیگر ببینم کرده است. در آیه ۳، شوهر باید، آنها از همان کلمه استفاده می‌کنند. اما در آیه ۳، ایده بیشتر از این کلمه است که به معنای «باید» است phele کلاسیک.

فقط دارم سعی می‌کنم چشم‌هام رو اونجا متمرکز کنم. خوب، حالا بیا بیشتر در موردش فکر کنیم. شرایط ازدواج به هر یک از طرفین حقوق زناشویی خاصی می‌دهد که طرف مقابل باید به اونها تن بده.

این چیزی نیست که نیاز به بحث داشته باشد. اگر قرار است از رابطه جنسی پرهیز شود، باید با رضایت طرفین باشد. هیچ یک از طرفین در رابطه زناشویی نمی‌تواند در این مورد تصمیم گیرنده باشد.

این باید دوطرفه باشد، و بهتر است که دوستانه و دوطرفه باشد. رابطه جنسی یک هنجار است. رابطه جنسی در ازدواج یک اصل اخلاقی است.

جالبه. من در تجربه‌ام خیلی در این مورد اطلاعات نداشتم، اما یه بار یکی از دانشجویهای سابقم ازدواج کرد و با این انتظار که یه ازدواج باشه، وارد اون رابطه شد، و در نهایت هم موفق نشد. و به هر دلیلی، مدتی ادامه پیدا کرد، و ازدواج هرگز با عمل جنسی به سرانجام نرسید.

این موضوع به یک مشکل اساسی در ازدواج و برای او تبدیل شد. و او نمی‌خواست ازدواج را فسخ کند، اما فرزند می‌خواست و ازدواج می‌خواست. او نمی‌خواست فقط با کسی در یک خانه زندگی کند و نه تنها از امتیاز و لذت رابطه جنسی، بلکه از رابطه جنسی برای تولید مثل نیز محروم باشد.

و از طریق همکاری بزرگان کلیسای او، آنها این مشکل را با کار کردن روی آن به طور آشکار حل کردند، و من آنجا نبودم. فکر می‌کنم آنها از طریق دادگاه‌ها برای ابطال آن اقدام کردند. او رسماً ابطال را دریافت کرد و حتی دادگاه‌ها، به ویژه زمانی که کاتولیک رومی بر منطقه‌ای مانند شمال شرقی تسلط داشت.

من مدتی در پنسیلوانیا بودم. آنها هر شب برنامه‌ی مونسینور را در اخبار داشتند. در منطقه‌ای که کاتولیک رومی غالب است، فسخ ازدواج چندان غیرمعمول نیست.

حالا، وقتی اصلاً رابطه جنسی در این رابطه وجود نداشته باشد، فسخ ازدواج طبق برخی سنت‌های مذهبی و حتی توسط دولت مدنی نسبتاً آسان است. و این اتفاق افتاد. او دوباره ازدواج کرد، بچه دارد، و همه چیز در این زمینه رضایت‌بخش بوده است.

بنابراین، ازدواج چیز بسیار مهمی است، اما ازدواج فقط برای تولید مثل نیست. این برای مشارکت دو نفر است و عمل جنسی یکی از بخش‌های عظیم این مشارکت برای لذت و تولید مثل است. در برخی از سنت‌های مسیحی گذشته‌ها، ایده لذت و رابطه جنسی رد شده بود، اما به این دلیل است که آن رهبران خاص مسیحی، افلاطونی بودند نه کتاب مقدسی.

صفحه ۹۱ در بالا. نظر پولس در ۷:۵ مبنی بر اینکه یکدیگر را از آزادی جنسی محروم نکنید، یک امر فعلی در یک ممنوعیت است. حال، این ما را به دستور زبان یونانی می‌رساند، اما باید در این مورد بسیار مراقب باشیم زیرا مورد سوءاستفاده قرار گرفته است.

متوجه خواهید شد که من آن را با حروف کج (ایتالیک (نوشتم، برخی این را به این معنی می‌دانند که مخاطبان باید از محروم کردن یکدیگر دست بردارند. زیرگروهی که در این پاراگراف مورد توجه قرار گرفته است، یکدیگر را محروم می‌کنند و پولس می‌گوید که این کار را متوقف کنند. این زمان حال با یک فعل امری خواهد بود.

ببینید، زمان حال در یونانی به نوعی با ادامه دادن مرتبط است. می‌توان آن را از جنبه‌های مختلفی زیر ذره‌بین بررسی کرد، اما مفهوم اصلی آن ایده‌ای از ادامه دادن است. بنابراین، متوقف کردن یک فعل امری در زمان حال، ایده متوقف کردن چیزی است که در حال انجام است، برخلاف وجه التزامی ماضی که به ایده شروع نکردن چیزی که در حال انجام نیست مربوط می‌شود.

برای مثال، خب، من قصد ندارم زیاد به این موضوع بپردازم. حالا، این را در گرامرهای زیادی خواهید خواند. حالا، نکته اینجاست.

خیلی مراقب باشید. این را نباید به عنوان یک اصل دستوری کاملاً ضروری در نظر گرفت. برخی از دستورنویسان، برخی از مفسران، مانند مجموعه‌ای بسیار ضعیف از کتاب‌ها به نام مطالعات واژگان وایس که هرگز نباید برای زبان یونانی به آنها اعتماد کنید، ممکن است بگویند که این به معنای «قطعاً» است.

این اغراق در مورد قضیه است. این استفاده‌ی خوبی از دستور زبان یونانی نیست. اگر منظور از متن این باشد، پس استفاده از زمان حال منطقی است.

اما مواردی وجود دارد که در آنها وجه التزامی ماضی وجود دارد و باید به همان اندازه که به معنای شروع نکردن است، به معنای توقف نیز باشد. و در یونانی مدرن، این درست است. برخی افراد در مورد سوار شدن به اتوبوس صحبت کرده‌اند که در آن به سیگار کشیدن یا نایستادن هنگام نوشتن اشاره شده است و تناقضی با این اصل می‌بینند.

بنابراین، این یک الزام در دستور زبان یونانی نیست، اما چیزی است که می‌توان آن را به عنوان یک امر بدیهی مشاهده کرد، اتفاقاً. و بنابراین، کاری را که انجام می‌دهید متوقف کنید، اما باید بسیار مراقب باشید. متعصب نباشید، اما می‌توانید آن را مشاهده کنید.

همانطور که گفتم، این دیدگاه در مورد دستور زبان یونانی یک ادعای ضروری نیست، بلکه باید با دلالت‌های زمینه‌ای تأیید شود. در هر صورت، پولس با شدیدترین عبارات علیه طرز فکر پرهیز صحبت می‌کند. شاید زمینه همچنین علیه کلیشه منفی کتاب مقدس مبنی بر اینکه رابطه جنسی فقط برای تولید مثل است و نه برای لذت، صحبت کند.

در مسیحیت، به ویژه در برخی از جنبه‌های قدیمی‌تر سنت ما، به ویژه در ایالات متحده، موارد زیادی از این دست وجود دارد. خب، من قصد ندارم هیچ گروهی را مطرح کنم زیرا در همه این گروه‌ها متخصص نیستم. بنابراین، این چیزی است که باید در مورد آن فکر کنید.

برخی از جوامع مسیحی با دیدگاهی نادرست نسبت به مسائل جنسی، سعی در ترویج این طرز فکر داشته‌اند که رابطه جنسی چیزی زنده است. من فکر می‌کنم در بسیاری از کلیساهای مستقل و باپتیست در فرهنگ آمریکایی، بسیاری از پدران که قبل از مسیحی شدن زندگی وحشتناکی داشته‌اند، زندگی شهوانی خود را به فرزندان‌شان تحمیل کرده‌اند و فضایی ایجاد کرده‌اند که در آن بچه‌ها مورد سرزنش قرار می‌گیرند که رابطه جنسی چیزی کثیف است، در حالی که اینطور نیست. رابطه جنسی در ازدواج کثیف نیست و زیباست.

بنابراین، در نحوه استفاده از این متون بسیار مراقب باشید. این یک کلیشه منفی رایج است که رابطه جنسی کثیف است. این یک خیال‌پردازی افلاطونی است.

این کتاب مقدس نیست. مطمئناً مسیحی نیست، اما وجود دارد و بسیار عمیقاً در آن گنجانده شده است. و حتی ممکن است شما در کلیسای کشیش باشید که در آن با برخی از این طرز فکر مواجه شده باشید.

در واقع، در بعضی از کلیساهای بچه‌ها نمی‌توانند در یک مکان شنا کنند زیرا دختران و پسران باید جداگانه شنا کنند. خوب، شهوت همیشه در جهان وجود خواهد داشت. و صادقانه بگویم، وقتی سعی می‌کنید این بچه‌ها را از هم جدا کنید، در واقع شهوت را بیشتر تشدید می‌کنید تا اینکه به آنها یاد بدهید بچه‌های خوبی در یک جامعه باشند.

شرایط و ضوابط پولس در آیات ۶ و ۷. بیایید گوش کنیم، خوب، من اینها را برای شما خوانده‌ام. بخشش اینطور خوانده می‌شود، ببخشید، اما من باید بگذارم چشمانم تمرکز کنند چون سه جفت عینک دارم و ۷:۶ هیچ چیز واقعاً کار نمی‌کند. این را به عنوان یک بخشش می‌گویم.

یادم می‌آید وقتی به آن رسیدیم. نه به عنوان یک دستور. منظور پولس از این حرف چیست؟ امتیاز ۷:۶ به آموزه‌های پولس اشاره نمی‌کند.

سوال تفسیری مهم‌تر این است که ضمیر اشاره «این» در آیه ۷:۶ به چه چیزی اشاره دارد. او در آیه ۷:۶ می‌گوید: «من این را می‌گویم.» خوب، این چیست؟ و چه امتیازی به آن داده می‌شود؟ خوب، بیایید در مورد آن فکر کنیم.

شماره یک، اولین نکته. برخی می‌گویند امتیازی که در آیه ۷:۶ آمده، به ازدواج در آیه ۷:۲ اشاره دارد. اگر این درست باشد، پس پولس ازدواج را به عنوان امتیازی برای فقدان خویش‌نژادی و گزینه‌ای نامطلوب‌تر، مثلاً به این اشاره ندارد this نسبت به ازدواج نکردن، ارائه می‌دهد. ضمیر موصولی

او نمی‌گوید که این امتیاز مربوط به خود ازدواج است. این حرف بی‌معنی است. پولس یک یهودی خوب است.

پیدایش ازدواج را به روشنی بیان می‌کند. کل سنت یهودی و سنت کتاب مقدس، ازدواج را یک هنجار می‌دانند. او قرار نیست چیزی شبیه به این بگوید.

بنابراین، این به واقعیت ازدواج اشاره نمی‌کند. ثانیاً، امتیازی که در آیه ۷:۶ آمده است، به پرهیز جنسی، توافقی در آیه ۷:۵ اشاره دارد. وقتی خود پولس در آیه ۷:۵ می‌گوید، یکدیگر را از رابطه جنسی محروم نکنید، مگر با رضایت متقابل، وگرنه شیطان بین شما مشکل ایجاد می‌کند. این یک نقل قول است.

امتیازی که در آیه ۷:۶ آمده است، به پرهیز جنسی مورد توافق طرفین در آیه ۷:۵ اشاره دارد. این یک امتیاز خواهد بود زیرا رابطه جنسی در ازدواج یک هنجار است. به عبارت دیگر، آنچه او گفته این است که اگر متقابلاً توافق کنید، می‌توانید توافق کنید که به دلیلی رابطه جنسی نداشته باشید. اما حالا او برمی‌گردد و می‌گوید، می‌خواهم بدانید که من این را به عنوان یک امتیاز، فقط به عنوان راهی برای بحث، گفتم.

لازم نیست این کار را بکنی. خوشحالم که این را گفت چون بعضی‌ها با این حرف موافق نیستند و می‌گویند خب، پولس فکر می‌کند پرهیز از مشروبات الکلی یک چیز معنوی برتر است. نه، پولس این را نگفته و آنقدر حساس هست که برای ما کاملاً روشن کند که او این را نگفته است.

یا این امتیاز به آیه ۷:۷ اشاره دارد که در آن می‌خوانیم: «ای کاش همه شما مانند من بودید، اما هر یک از شما هدیه‌ای از جانب خدا دارید.» به نظر می‌رسد که او در حال حاضر مجرد است و این امتیاز به این موضوع نیز مربوط می‌شود که او از مردم نمی‌خواهد که این را انتخاب کنند. اگر آنها ازدواج کنند، از نظر روحانی ضعیف‌تر نخواهند شد.

با نگاهی به آینده، تشخیص عمل‌گرایانه‌ی پاول مبنی بر مجرد بودن، انتخاب خودش است، اما به هیچ وجه برای هیچ کس دیگری تجویز نمی‌شود. پاول، پاول است و پاول با گام‌های آهسته از میان لاله‌های این متن عبور می‌کند. و اگر آن را با دقت و از نزدیک بخوانید، خواهید دید که پاول کاملاً روشن می‌کند که ازدواج یک هنجار است، رابطه‌ی جنسی یک هنجار است، رابطه‌ی جنسی خوب است، آن را انجام دهید.

و سپس او از برخی حوزه‌های دیگر انتقاد می‌کند. او اجازه نمی‌دهد که قرنیتان بگویند که خوب است که فرد روابط جنسی نداشته باشد یا حتی بخش جدی آن، خوب است که فرد ازدواج نکند. این یک رویکرد قابل قبول نیست.

وینتر استدلال می‌کند که وقتی این ضمیر خنثی با فعل «گفتن» و به دنبال آن ضمیر واقعی یا ضمینی استفاده می‌شود، ضمیر ارجاعی رو به جلو دارد و او به نوعی آن را به موارد زیر ربط می‌دهد. من فکر می‌کنم این یکی از مواردی است که احتمالاً عاقلانه است که بگوییم در یک زمینه است. من فکر می‌کنم که این به امتیازدهی برمی‌گردد زیرا این یک امتیازدهی نیست؛ فقط نوعی گفتگو است و پولس از آنها نمی‌خواهد که به هیچ وجه از رابطه جنسی خودداری کنند.

در عین حال، در ادامه‌ی بخش بعدی، آرزو می‌کنم که همه شما مثل من باشید. اگر او می‌تواند چنین آرزویی داشته باشد، این آرزو نه یک دستور است و نه حتی یک انتظار. این یک واقعیت عملی است. انجام دادن کاری که پولس به تنهایی انجام می‌داد، آسان‌تر است.

و دلایل دیگری هم در این زمینه وجود دارد که می‌تواند این موضوع را روشن کند. از جمله آخرت‌شناسی خود پولس و دیدگاه او مبنی بر اینکه عیسی هر لحظه ممکن است ظهور کند و در نتیجه، پولس نمی‌خواهد زندگی خود را پیچیده کند. بنابراین، او از پرهیز جنسی حمایت نمی‌کند.

او حتی برای اهداف معنوی هم از پرهیز جنسی صحبت نمی‌کند. این شما را معنوی‌تر نمی‌کند. اگر می‌خواهید معنوی باشید، دعا کنید و سپس رابطه جنسی داشته باشید.

این روحانی‌تر خواهد بود. و می‌توانید بعد از آن هم دعا کنید. اکثر کتاب مقدس‌های پاراگرافی، آیات ۱:۷ تا ۷ را به عنوان یک واحد دارند.

آیات ۷:۶ و ۷ را به صورت یک پاراگراف جداگانه جدا می‌کند، بنابراین این سوال که ۷:۶ را از ESV نسخه کدام جهت باید خواند، بی‌پاسخ می‌ماند. می‌بینید، با استفاده از این پاراگراف، آنها ۷:۶ را با ۷:۷ ترکیب نسخه استاندارد انگلیسی که، ESV کردند، نه اینکه آن را به ۱ تا ۵ وصل کنند. این تفسیری است. نسخه در بسیاری از گروه‌ها بسیار محبوب شده است، ادعا می‌کند که یک ترجمه رسمی است، تا حد امکان تحت‌اللفظی، تا حد امکان آزاد، همانطور که قبلاً در مورد آن صحبت کردیم. اما به شما می‌گویم، هر چه را می‌خوانم، معادل پویاتری در آن نسخه پیدا می‌کنم ESV بیشتر.

همه چیز به علاقه‌ی مترجم در مواقع خاص بستگی دارد. این می‌توانست یک جنبه‌ی پویا در تصمیم‌گیری در مورد محل پاراگراف باشد، زیرا این کار تفسیر را منحرف می‌کند. شما نمی‌توانید این کار را انجام دهید و آن را به صورت یک پاراگراف طولانی نگه دارید و اجازه دهید خواننده تصمیم بگیرد.

اما وقتی پاراگراف را قطع می‌کنید، یک تصمیم تفسیری گرفته‌اید و یک ترجمه تفسیری آماده دارید. هر طور که می‌خواهید به آن فکر کنید. این واقعیت محض است.

آیات ۶، ۷ و ۶ و ۷ را به صورت پاراگراف‌های جداگانه تقسیم‌بندی کرده است، بنابراین این ESV نسخه سوال که ۷ و ۶ را به کدام سمت باید خواند، بی‌پاسخ می‌ماند. شگفت‌انگیز است که چقدر معنی در کتاب مقدس می‌تواند به علائم نگارشی و پاراگراف‌ها بستگی داشته باشد. حتی اگر ترجمه‌های یکسانی داشته باشید علائم نگارشی و پاراگراف‌ها می‌توانند خواننده را به جهت خاصی سوق دهند. اگر فکر می‌کنید ترجمه فقط به دلیل دانستن زبان یونانی کار آسانی است، در دنیای عجیبی زندگی می‌کنید.

هر کسی که به طور شایسته ترجمه می‌کند، باید دیدگاه‌های خود در مورد تفسیر را کنار بگذارد و طوری ترجمه کند که خواننده را هدایت نکند، بلکه اجازه دهد خواننده خودش تصمیم بگیرد. رسیدن به این هدف آسان نیست. پایین صفحه ۹۱.

به دلیل الگوی پیدایش و سایر متون مربوط به خانواده، برای پولس عجیب خواهد بود که دیدگاهی از انسانیت را ترویج دهد که با اولویت ازدواج در تضاد باشد. پولس عملاً مزیت مجرد را به رسمیت می‌شناسد اما هرگز آن را به عنوان یک هنجار ترویج نمی‌کند. آیه ۷:۷ محیط را مشروط می‌کند، یعنی زمینه آیات ۸:۷ تا ۲۴ را.

آیات پایانی ۷ و ۲۴ را بخوانید. همچنین، دستورالعمل‌های او در مورد شرایط لازم برای یک رهبر خدمت را در رساله‌های شبانی مقایسه کنید. در ۷:۷، عطا و انتخاب تابع شخصیت و شرایط زندگی شما هستند.

یک هدیه شما را انتخاب می‌کند، و شما هدیه‌تان را انتخاب نمی‌کنید. شما در زندگی انتخاب‌هایی می‌کنید، و گاهی اوقات آنها را انتخاب می‌کنید زیرا زندگی به شما دست می‌دهد که شما را ملزم به انتخاب‌های خاصی می‌کند. به عبارت دیگر، من دانشجویان زیادی را می‌شناسم، مثلاً کسانی که ازدواج نکرده بودند، اما عمیقاً می‌خواستند ازدواج کنند.

آنها هیچ ادعایی در مورد موهبت مجرد ندارند، اما این برای آنها جواب نمی‌دهد. دلایل زیادی وجود دارد که چرا اینطور نیست، و می‌تواند بسیار پیچیده شود که چرا ممکن است برای آنها جواب ندهد. اما این برخلاف خواسته‌های آنهاست.

آنها می‌خواهند ازدواج کنند، و بنابراین تمام زندگی‌شان را؛ اگر به خواست خدا برایشان خوب پیش نرود، این یک تقدیر منفی است، پس باید با آن کنار بیایند. در عین حال، آنها دوست دارند انتخاب دیگری داشته باشند. بنابراین، زندگی با دست‌های خاصی سروکار دارد که ما باید به طرق مختلف آنها را بازی کنیم.

و ما آنها را از دیدگاه اخلاق کتاب مقدس و آموزه‌های کتاب مقدس بازی می‌کنیم. گاهی اوقات، ما باید فداکاری کنیم، و گاهی اوقات، انجام این کار برای تحقق اخلاق کتاب مقدس بسیار دشوار است. گاهی اوقات، آنچه واقعاً می‌خواهیم، به دست نمی‌آید.

بخشی از آن می‌تواند به خود ما مربوط باشد، به عدم درک خودمان از اینکه چه کسی هستیم و چگونه عمل می‌کنیم. و داشتن مشاوره در این زمینه ضرری ندارد. و گاهی اوقات، فقط شرایط زندگی است که هرگز برای یک فرد خوب پیش نمی‌رود.

و من افرادی را در همه این دسته‌ها می‌شناسم. فرمان خلقت و روایت متافیزیکی کتاب مقدس ایجاب می‌کند که این موضوع بر اساس یک هدیه باشد، نه یک انتخاب. ازدواج امری عادی است.

طبق کتاب مقدس، این انتظاری از جانب خداست. و این مسیری است که مردم، کسانی که خود را مسیحی می‌نامند، باید دنبال کنند. حالا می‌توانید انتخاب کنید که این کار را نکنید، اما آن را به عنوان نوعی انتخاب زاهدانه انتخاب نکنید.

شما فقط به دلایل دیگری آن را انتخاب می‌کنید. در مورد آن صادق باشید. با خودتان صادق باشید.

اما این انحراف از هنجار است. اشکالی ندارد. همانطور که عیسی در انجیل‌ها گفته است، برخی به خاطر پادشاهی آسمان‌ها اخته‌اند.

اما این هم یک هنجار نیست. این، یک جاه‌طلبی از هنجار است. بسیار خب، صفحه ۹۲.

آیا معنای «هدیه» را مورد بحث قرار می‌دهد؟ منظور از کلمه «هدیه» در اینجا کلمه «کاریزما» است. کلمه «دورون» نیست.

دورون کلمه‌ای شبیه هدیه کریسمس است. کاریزما موهبتی است که در فصل‌های هدیه ۱۲ تا ۱۴ به عنوان یک موهبت معنوی یا نوعی موهبت که خدا برای استفاده در کلیسا به شما می‌دهد، استفاده شده است. اول، زبان هدیه پولس مورد دیگری را برای فهرست ما ارائه می‌دهد.

به عبارت دیگر، این در هیچ یک از لیست‌های هدایا نیست، اما به عنوان یک هدیه ذکر شده است. پس چرا آن را در لیست قرار ندهیم؟ می‌بینید، یک لیست کامل از لیست‌ها را تشکیل نمی‌دهد. شما باید به همه آنها نگاه کنید.

و حتی در آن صورت، شما کلیت را ندارید. شما فقط لیست دارید زیرا لیست‌ها همیشه در خدمت زمینه هستند. چیزی به عنوان لیست کامل وجود ندارد.

و ما بعداً در فصل‌های ۱۰ تا ۱۲ در مورد این موضوع صحبت خواهیم کرد. زبان هدیه پولس، مورد دیگری را برای فهرست ما ارائه می‌دهد. از آنجایی که هدایا معمولاً موهبت‌های ویژه‌ای هستند، ازدواج احتمالاً یک هدیه نیست، بلکه یک هنجار است.

بنابراین، ازدواج یک موهبت نیست. این انتظاری است که نباید به عنوان یک موهبت ازدواج کرد. گارلند خاطرنشان می‌کند که از آنجایی که مجرد یک موهبت ویژه است، بنابراین شامل سه پیامد می‌شود.

حالا این خیلی جالبه. صفحه ۹۲. اولین پیامد.

این مسئله‌ای مربوط به ترجیح یا انتخاب شخصی یا یک شاهکار شایسته‌ی خویش‌نمندی نیست، بلکه موهبتی از جانب خداست. به عبارت دیگر، چیزی نیست که واقعاً زیاد به آن فکر کنید. حالا، می‌توانید به آن فکر کنید، و هر کسی می‌تواند به آن فکر کند، اما چیزی نیست که شما را به حرکت وادارد.

شما هیچ... شهوت چیزی نیست که واقعاً زیاد در شما ظاهر شود. این یک موهبت است. دوم، به عنوان یک موهبت، برای یک خدمت ویژه در کلیسا است.

این فقط برای این نیست که بتوانید اسباب بازی‌ها و آزادی بیشتری داشته باشید. در فرهنگ آمریکایی ما، بسیاری تصمیم گرفته‌اند ازدواج نکنند زیرا محدودیت‌ها را نمی‌خواهند و نمی‌خواهند آزادی‌شان به خطر بیفتد. آنها می‌خواهند هر زمان که بخواهند بتوانند ازدواج کنند.

و همین را می‌توان در مورد مسئله‌ی کودکان گفت. آمریکایی‌های سفیدپوست اغلب ترجیح داده‌اند که بچه‌دار نشوند، رک و پوست کنده، به این دلیل که اسباب بازی‌های بیشتری می‌خواهند. آن‌ها خواهند گفت، خب، ما نمی‌دانیم که می‌توانیم برایشان فراهم کنیم یا نه.

این یه جور شانه خالی کردنه. کلا به دلایل خودخواهانه‌ست، مگه اینکه یه جور نقص ژنتیکی تو خانواده باشه که اونوقت ممکنه مشکل پیش بیاد. پس مواظب باش چطور در مورد ازدواج و هدیه حرف می‌زنی.

سوم، این استعداد، فرد را از تمایلات جنسی طبیعی دور می‌کند و بنابراین بسیار غیرمعمول و قضاوت در مورد آن دشوار است، زیرا هر کسی در برهه‌ای از زمان شهوت، افکار و هورمون‌هایی دارد. و اینکه چگونه بفهمیم چه کسی این استعداد را دارد و چه کسی ندارد، بسیار دشوار است. اما در نهایت، این استعداد است که شما را انتخاب می‌کند.

شما آن را انتخاب نمی‌کنید. توجه کنید که پولس چگونه در مورد این موضوع بحث می‌کند. او افراد را تشویق نمی‌کند که اراده خدا را در مورد ازدواج یا مجرد بیابند.

بگذارید دوباره بگویم. در این متن هیچ عبارتی برای انجام اراده خدا، برای یافتن اراده خدا وجود ندارد. خب، دلیل اینکه چنین چیزی وجود ندارد این است که مناسب نیست که آنجا باشید زیرا اراده خدا این است که شما ازدواج کنید.

این آموزه‌ی کتاب مقدس است. احتمالاً هیچ چیز بیشتر از این ایده‌ی اراده‌ی خدا مورد سوءاستفاده قرار نگرفته است. من در این مورد کتابی دارم.

امیدوارم بتوانم مجموعه‌ای از سخنرانی‌ها را در همین محیط برگزار کنم. اما در حال حاضر، باید کتاب را تهیه کنید. می‌توانید آن را از لاگوس، «راه تصمیم‌گیری خدا» تهیه کنید.

فقط اسم من را وارد کنید. به انگلیسی و اسپانیایی نمایش داده می‌شود. پاول، توجه کنید که پاول چگونه در مورد این موضوع بحث می‌کند.

او افراد را تشویق نمی‌کند که در مورد ازدواج یا مجرد، اراده خدا را پیدا کنند. این موارد از قبل مشخص شده‌اند. ازدواج یک هنجار است.

در واقع، در جمله به آن اضافه کنید تا ازدواج کنید. این یک هنجار است، به آن اضافه کنید تا ازدواج کنید. یا هدیه‌ای برای برخی که ازدواج نکنند.

و این موهبت، که همان رهایی از نیاز جنسی است، نمک نیست، بلکه موهبتی ویژه است. اراده‌ی حاکم بر خداوند در جریان عادی زندگی آشکار می‌شود. بنابراین، هیچ توهمی در مورد یک فرآیند ذهنی وجود ندارد که

تصمیم بگیرد آیا به دلیل یک رسالت خودساخته و فرضی، با شور و اشتیاق سوزان زندگی خواهید کرد یا خیر.

تو برای این کار فراخوانده نشده‌ای. اگر بسوزی، به مجرد فراخوانده نشده‌ای. به ازدواج فراخوانده شده‌ای.

حال، اگر در زندگی خود مشیت منفی را تجربه می‌کنید، و در یک دنیای سقوط کرده، مشیت منفی زیادی وجود دارد. و با وجود اینکه چقدر می‌خواهید ازدواج کنید، این اتفاق نمی‌افتد. نگویید، خب، من باید موهبت مجرد را داشته باشم، چون ندارید.

مثلاً، به خواست خدا، به هر دلیلی، چه به خاطر من، چه به خاطر شرایط من، این اتفاق نیفتاده است. و من باید با این موضوع کنار بیایم. باید با چالش‌هایی که با ازدواج نکردن پیش می‌آید، روبرو شوم.

تا روزی که شاید خدا به من شوهر یا همسری عطا کند. من یک دوست خوب دارم، یک دوست خیلی خوب، که در دهه بیست سالگی‌اش به خواستگاری رفت، و عروس آینده‌اش نیامد. و نمی‌دانم که آیا این دلیلش بود یا نه، اما او هرگز نتوانست تصمیم به ازدواج بگیرد، حتی با اینکه فرصت‌های زیادی در زندگی داشت.

او آدم خوبی بود. با استعداد بود. او یک وزیر بود.

چندین زن بودند که از او خواستگاری می‌کردند و نمی‌توانستند او را راضی کنند. اما فکر می‌کنم حدود ۶۰ سالگی، بالاخره ازدواج کرد. حالا، من و او در مورد چیزهای خاص و مشکلاتی که داشت، کلی شوخی می‌کردیم. و در مورد آن چیزها با هم شوخی می‌کردیم، اما مطمئنم که آن سفر خیلی سختی بود.

و حالا، در زمان مقرر خدا، به هر دلیلی، و باید جهان‌های سقوط کرده را هم در این ماجرا دخیل کرد اوضاع آنطور که در ابتدا طراحی شده بود، نیست. حالا، او در سال‌های آخر عمرش از شادی‌های آن رابطه لذت می‌برد. این عالی‌ه.

بنابراین، اگر بسوزید، به مجرد فراخوانده نشده‌اید. به این فکر کنید که چگونه الهیات سقوط در مشکل تصمیم‌گیری در مورد ازدواج و تصمیم‌گیری‌های مشکل‌ساز در مورد فرزندان نقش دارد. به عنوان مثال، گاهی اوقات ما در مورد زندگی تصمیم می‌گیریم و گاهی اوقات زندگی در مورد ما تصمیم می‌گیرد و همه ما باید به روش خودمان با آن کنار بیاییم.

شرایط زندگی می‌تواند برای ما تصمیم بگیرد، حتی وقتی که ما آن تصمیم را نمی‌خواهیم. خب، برای این بخش کافی است. در صفحه ۹۲، بند ۲الف، در درس بعدی به آن خواهیم پرداخت.

روز خوبی داشته باشید.

این دکتر گری میدورز در حال تدریس در مورد کتاب اول قرن‌تین است. این جلسه ۱۸، اول قرن‌تین ۷: ۱-
پاسخ پولس به مسائل جنسی و ازدواج است، Va